

Mudaraba with Electronic Money

*Sadeq Elham**

Date of Received: 2017/02/06

Date of Accepted: 2018/11/09

As recorded in historical communities, a lot of stages on money evolution have passed; from commodity money up to gold-backed bill money to mere credit money. Discussing about money, most of the jurisprudents' mentality refers to "bill money", while for a long time, the new phenomenon called "electronic money" has replaced "bill money" and transactions are being done with it generally, even in micro levels. On the other hand, according to the famous opinion of scholars, Mudharabah (sleeping partnership) -one of the most important and applicable contracts in the non-usury banking system- cannot be set on "debts".

The question about the nature of this money (electronic money) is that whether electronic money is a mean of debt settlement or itself can be considered as money, and upon this, its debt-being or objectivity is questioned. since there is no separate (discussion) argument among the jurisprudents' researches about validity or invalidity of Mudharabah (sleeping partnership) using electronic money, and also all current transactions of banks are being done in this way, the value and importance of this discussion is clarified.

In this research, after explaining the introductory points, first we examine the objectivity of Mudharabah (sleeping partnership) capital. Therefore, after criticizing opponents' opinions, we can conclude about the validity or invalidity of Mudharabah (sleeping partnership) by investigating about the objective or debt-being nature of electronic money. Since Mudharabah (sleeping partnership) requires objectivity of capital, and electronic money customarily is considered as an object, the Mudaraba is uncontested with electronic money.

Keywords: Electronic money, Mudharabah (sleeping partnership), banking transactions, debt.

* Assistant Professor of the Department of Fiqh and Islamic Law Foundations at Imam Sadiq(a.s) University - elham.sadeq@gmail.com

مضاربه با پول الکترونیک

صادق الهام*

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۸/۱۹

چکیده

همان‌طور که در مجامع تاریخی موجود است بر تکامل پول مراحل زیادی گذشته است از پول‌های کالا گرفته تا پول‌های اسکناس با پشتوانه طلا تا پول‌های اعتباری محض. ذهنیت غالب فقها هنگام بحث از پول به اسکناس منصرف است درحالی‌که مدت‌هاست پدیده جدیدی به نام پول الکترونیک جایگزین اسکناس گردیده است و عموم معاملات حتی در سطوح خرد بدین وسیله انجام می‌گیرد. از سویی دیگر، مضاربه که یکی از عقود مهم و کاربردی در نظام بانکی بدون ربا است بنابر نظر مشهور بر دین صورت نمی‌پذیرد. آنچه مورد سؤال است ماهیت این پول از این جهت که آیا صرفاً وسیله ادای دین بوده و یا خود پول محسوب می‌شود، می‌باشد و بر این اساس دین یا عین بودن آن‌ها مورد سؤال می‌باشد. با توجه به آنکه در بین تحقیقات موجود از سوی فقها بحث مجزایی در مورد صحت یا عدم صحت مضاربه با پول‌های الکترونیک از جهت مذکور بیان نگردیده است و از سویی معاملات امروزی بانک‌ها تماماً از این طریق صورت می‌پذیرد، اهمیت بحث را روشن می‌سازد.

در این تحقیق تلاش بر آن است که بعد از بیان نکات مقدماتی ابتدا رکن عین بودن سرمایه مضاربه را بررسی نموده و بعد از نقد قول مخالفین با تحقیق در مورد ماهیت عینی و یا دینی پول صحت و یا عدم صحت مضاربه را نتیجه گرفت. از آنجاکه نظر بر آن است که این پول‌ها در نگاه عرفی عین محسوب می‌گردد گرچه مضاربه بر سرمایه عینی لازم است، مضاربه با پول الکترونیک بی‌اشکال می‌باشد.

واژگان کلیدی

پول الکترونیک، مضاربه، معاملات بانکی، دین، ربا.

مقدمه

مضاربه که عبارت از اعطای سرمایه از سوی یک نفر و کار از سوی دیگری همراه با مشارکت در سود می‌باشد، از عقود پرکاربرد فقهی است که از زمانه‌ای دور تاکنون مورد استفاده در همه جوامع خصوصاً در بین مسلمان برای فرار از ربا، می‌باشد. گذشت زمان و تغییر در ساختارهای معاملات جهانی، ایجاد مؤسسات مالی خصوصاً بانک‌ها نیز موجب کاهش اهمیت این عقد نگردیده است.

از سوی دیگر علمای اسلامی از سال‌های پیش درصدد تغییر در نظام بانک ربوی و جایگزین کردن بانکداری اسلامی بوده و تحقیقات زیادی در بین شیعیان و اهل سنت در این موضوع انجام شده و روش‌هایی برای جایگزینی نظام ربوی بیان گردیده است. در بسیاری از این تحقیقات معمولاً مضاربه به‌عنوان یکی از روش‌های مفید و سودمند که هم می‌تواند فواید معاملات ربوی را داشته و هم مشروع و مورد تأیید شارع است، مطرح گردیده است. لکن همان‌گونه که معلوم است مضاربه مانند دیگر عقود شرعی به غیر از الزامات و شرایط عمومی عقود دارای شرایط و ارکان خاص خود است که برای تحقق صحیح این عقد رعایت آن‌ها لازم است.

این امر یکی از مهم‌ترین موانع موجود در مقابل ارائه‌کنندگان نظریه جایگزین می‌باشد. شهید صدر که از جمله پیشگامان این نظریه می‌باشد در تحقیق ارزشمند بانکداری بدون ربا، خود، به برخی از این اشکالات مانند عدم جواز ضمان عامل مضاربه اشاره نموده و سعی بر حل این مشکل داشته است. لکن برخی از مشکلات و موانع با گذشت زمان و ایجاد سیستم‌های معاملاتی و پول‌های جدید به وجود آمده لذا در آن تحقیقات مطلب قابل توجهی وجود ندارد که بر محققین لازم است در این مسیر گام نهاده و کار ارزشمند پیشینیان را تکمیل نمایند.

۱. بررسی ویژگی‌های عقد مضاربه

۱-۱. تعریف مضاربه

مضاربه از ریشه (ض ر ب) آمده که لغت‌شناسان قرآن آن را به معنای قرار گرفتن شیئی بر شیء دیگر معنا کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۰۵). بر این اساس ضرب فی الارض به معنای سیر کردن در زمین برای کسب روزی معنا شده است (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۶۸). مضاربه باب مفاعله از ریشه ضرب می‌باشد و اهل لغت آن را به معنای اعطای مال به دیگری برای تجارت به طوری که سهم مشخصی در آن معین شده باشد می‌دانند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۵۴۵).

تعریف فقهی مضاربه ریشه در همان معنای لغوی دارد. شیخ مفید بحث مضاربه و شرکت را همراه با یکدیگر مطرح نموده و تعریفی مجزا برای مضاربه بیان ننموده است (مفید، ۱۴۱۳، ص ۶۳۲).

شیخ طوسی عقد مضاربه را این‌گونه تعریف می‌کند: مضاربه آن است که انسان مالی را به دیگری بدهد تا با آن تجارت نموده و آن سودی را که خدا بر آن مال قرار می‌دهد را بر حساب شرط بین آن دو (مالک و عامل) تقسیم گردد (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۶۷). صاحب شرایع تعریفی از این عقد بیان نکرده است که شاید به علت واضح بودن آن در نزد عقلا هست به طوری که وی تعریف آن را لازم ندانسته است (ر.ک: محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲۲، ص ۱۱۰). سایر فقها شیعه نیز به پیروی از شیخ تعریفی مشابه برای مضاربه ارائه داده‌اند (ر.ک: علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۴۳؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۱۴۵). در قانون مدنی به این اشکال تا حدودی توجه شده است. در ماده ۵۴۶ در تعریف این عقد می‌گوید: «مضاربه عقدی است که به موجب آن احد متعاملین سرمایه می‌دهد با قید اینکه طرف دیگر با آن تجارت کرده و در سود آن شریک باشند، صاحب سرمایه مالک و عامل مضارب نامیده می‌شود».

۱-۲. ارکان مضاربه

مرحوم علامه حلی مانند فقهای اهل سنت (جزیری و دیگران، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۵۶-۶۹) برای مضاربه پنج رکن را شمرده است (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۱۱-۷۰). این پنج رکن که عبارت‌اند از؛ «عقد»، «متعاقدين»، «سرمایه»، «عمل» و «سود» بوده خود دارای احکام و نکات فراوانی است. از آنجا که این تحقیق محدود به بررسی عقد مضاربه بانک با پول الکترونیک آن است لذا تلاش می‌شود به آن دسته از ارکان و یا احکام که مرتبط به این موضوع باشد پرداخته شود و از ذکر مابقی خودداری می‌گردد و برای دست‌یابی بدان‌ها می‌توان به تحقیقات مفصل مراجعه کرد (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۳۳۶ به بعد).

۱-۳. سرمایه و لزوم عین بودن آن

از جمله پدیده‌های نوظهور در سیستم معاملات امروزی پول الکترونیک می‌باشد؛ و از سویی همان‌گونه که آمد از جمله ارکان مضاربه در کنار عقد، متعاقدين، عمل و سود، سرمایه می‌باشد. سرمایه مضاربه مانند دیگر ارکان دارای شرایطی است که برای جایگزینی مضاربه در سیستم بانکی لازم است رعایت گردد. لذا لازم است ابتدا در مورد این رکن مضاربه بحث شده و سپس با تبیین ماهیت پول الکترونیک معلوم گردد که آیا امکان انطباق این رکن بر این پدیده می‌باشد یا خیر؟
از جمله ویژگی‌های سرمایه که فقها بدان اشاره داشته‌اند عین بودن سرمایه می‌باشد. اینان معتقدند که مضاربه بر دین و منفعت صحیح نمی‌باشد.
شیخ طوسی صریحاً به این مسئله اشاره نداشته اما از این کلام او که می‌گوید مضاربه فقط با درهم و دینار جایز می‌باشد اما در غیر آن‌ها جایز نیست، می‌توان قائل بودن وی به این مسئله را نیز دریافت. هرچند وی در ادامه با آوردن عبارت «و فیه خلاف» از اعتقاد جازم خود به این مسئله می‌کاهد (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۶۸).

علامه نیز در تذکره معتقد است که مضاربه بر منافع صحیح نیست (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۲۲). محقق نیز بر این مسئله تصریح داشته (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۱۲) و به تبع او شارحان شرایع نیز به این مسئله پرداخته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۵۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۳۵۶). فقهای بعد از اینان نیز عموماً به این شرط (عین بودن سرمایه) اشاره داشته‌اند (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ج ۹، ص ۳۴۸؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۱، ص ۲۱۸؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱۳، ص ۱۳۶؛ الهاشمی الشاهرودی، ۱۴۳۲، ص ۴۴؛ خویی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۹).

در بین اهل سنت حنبلی‌ها و مالکی‌ها به این مسئله تصریح داشته‌اند (جزیری و دیگران، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۵۷-۶۶).

در قانون مدنی به بطلان مضاربه بر دیون و منافع اشاره‌ای نشده است ولیکن طبق ماده «۵۴۷» ق.م.: «سرمایه باید وجه نقد باشد» که شاید بتوان از این ماده عین بودن را هم نتیجه گرفت.

به‌طور کلی آنچه قابل بررسی در این تحقیق می‌باشد آن است که عقد مضاربه بانکی که امروزه در حال اجرا هست بر روی پول‌های الکترونیک منعقد می‌گردد؛ و طبیعتاً چیزی به‌ظاهر به‌عنوان رأس المال در خارج بین عامل و بانک ردوبدل نمی‌شود لذا باید ابتدا دلیل قائلین به عدم صحت مضاربه بر دیون و منافع بررسی گردیده تا محکم بودن یا نبودن آن معلوم شود و سپس به ماهیت پول‌های الکترونیک هرچند به‌صورت موجز پرداخته‌شده تا معلوم شود آیا مضاربه بانکی، مضاربه بر دین است یا عین. در صورت عدم پذیرش مضاربه بر دین و پذیرش ماهیت دینی پول‌های الکترونیک لاجرم باید قائل شد که عقد مضاربه نمی‌تواند راهکاری مناسب برای جایگزینی عقود ربوی در نظام بانکداری اسلامی باشد.

علامه گرچه صریحاً در این مورد اظهارنظر نکرده است لکن از دلیلی که برای شرط نقدین بودن سرمایه بیان کرده می‌توان شرط عین بودن را نیز فهم کرد. وی معتقد است

که مضاربه عقدی خلاف اصل است و دارای غرر می‌باشد چراکه عمل عامل مجهول و غیر منضبط بوده و سود نیز قطعی نخواهد بود. اگر اجازه به انجام آن داده شده است صرفاً به علت حاجت و ضرورت شدید (جامعه) می‌باشد. پس مختص به مواردی است که تجارت با آنها آسان بوده و در هر زمان رواج داشته باشند (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۱۸).

از کلام علامه می‌توان این‌گونه استنباط کرد که وی از آنجا که مضاربه را خلاف اصل می‌داند پس به قدر متیقن آن اکتفا نموده و در سایر موارد جایز نمی‌داند. مضاربه بر عین قطعی است؛ اما در سایر موارد مثل دین یا منفعت صحیح نمی‌باشد. برای همین وی در ادامه می‌گوید:

از این دلیل معلوم می‌گردد که مضاربه بر منافع مانند سکنی خانه و یا خدمت عبد جایز نمی‌باشد (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۲۲).

شهید ثانی دلیل علامه را نپذیرفته و اجماع را تنها دلیل می‌داند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۵۵). صاحب ریاض نیز اجماع منقول در مسالک را عمده دلیل دانسته و آن را حجت می‌داند (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ج ۹، ص ۳۴۸). صاحب جواهر نیز اجماع به هر دو قسمش را در این موضوع وارد می‌داند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۳۵۶).

صاحب حدائق روایت سکونی از امام صادق (ع) از امیرالمؤمنین (ع) در مورد مردی که از دیگری طلب داشت و از او تقاضای طلب خود را کرد و بدهکار توان پرداخت آن را نداشت، طلبکار به بدهکار می‌گوید نزد تو به‌عنوان مضاربه باقی باشد، امام (ع) فرمود: صحیح نیست مگر آنکه قبض صورت پذیرد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۲۳) را صریح در این موضوع می‌داند. وی عمل اصحاب را جابر ضعف سند روایت می‌داند (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۱، ص ۲۱۸).

از میان علمای معاصر نیز محقق خویی دلیل بر عدم جواز را همان روایت مذکور در سطور قبل دانسته و مانند صاحب حدائق معتقد است که دلالت روایت تمام بوده و نیازی

به دلیل دیگر نیست. وی دفع المال که در تعریف مضاربه آمده است را شاهی بر شرط عین بودن سرمایه می‌داند چراکه دین قابلیت دفع ندارد (خویی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۹).
اجماع مدعی از دیدگاه این محقق فاقد اعتبار است. او اجماع را منقول دانسته و معتقد است که نمی‌توان بدان اعتماد کرد. مضاف بر اینکه در کلام بسیاری از فقها به این مطلب اشاره‌ای نشده است (خویی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۱).

مرحوم حکیم معتقد است: مضاربه بر دیون صحیح نیست اما این معامله فی حد نفسه صحیح بوده و ذیل عمومات به عنوان معامله‌ای مستقل قرار خواهد گرفت (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱۲، ص ۲۴۲).

برخی دیگر از محققین معاصر نیز در تبیین این موضوع با رد ادله قائلان به عدم صحت حکم به صحت را تقویت نموده و معتقدند مضاربه بر دین ممکن است برخی روایات نیز بر آن دلالت دارد مانند روایت ابوبصیر: «سألت ابا عبد الله (ع) عن الرجل يقول للرجل: ابتاع لك متاعا و الربح بيني و بينك؟ قال (ع): لا بأس» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۲۰).
اطلاق روایت شامل مواردی که بر ذمه خریده باشد و دفع خارجی صورت نگرفته باشد نیز می‌شود (الهاشمی الشاهرودی، ۱۴۳۲، ص ۴۴-۵۵).

البته می‌توان به روایت مذکور اشکال کرد که سؤال و جواب در مقام صحت چنین معامله‌ای یعنی آیا بدون اذن ابتدایی از سوی مالک چنین معامله‌ای صحیح است یا خیر؟ می‌باشد و کیفیت آن که همراه با دفع خارجی و یا بر ذمه باشد را بیان نمی‌کند.

معامله بر منافع هم صحیح است زیرا تنها دلیل بر عدم صحت را مقتضای فساد مضاربه دانسته‌اند و زمانی که مضاربه را طبق قاعده باشد اشکال وارد نخواهد بود مضاف بر اینکه اعطاء المال بر آن صدق می‌کند زیرا اعطاء کل شیء بحسبه می‌باشد (الهاشمی الشاهرودی، ۱۴۳۲، ص ۴۴-۵۵).

به کلام این محقق می‌توان این‌گونه اشکال کرد: اولاً وی با مبنای خود که مضاربه را طبق قاعده دانسته پیش رفته است و لذا اگر این مبنا پذیرفته نشود مطلب وی تمام نخواهد

بود. ثانیاً نهایت وی معتقد به صحت چنین عقدی نزد عقلاست اما اینکه عقد مذکور مضاربه باشد معلوم نیست. مخصوصاً زمانی که معیار تشخیص مضاربه عرف زمان معصوم ع باشد با این استدلال نمی‌توان مضاربه بودن آن را از نگاه شرع اثبات کرد باید دید آنچه مورد امضای شارع واقع گردیده است چه عقدی بوده است. از مجموع کلام می‌توان این‌گونه بیان داشت که مضاربه بر دین صحیح نمی‌باشد و یا حداقل از آنجا که مخالف مشهور فقها بوده لذا عمل بدان خلاف احتیاط است. حال باید دید آیا مضاربه با پول‌های الکترونیک مضاربه بر دین می‌باشد. برای همین ابتدا لازم است ولو به به صورت اختصار ماهیت پول الکترونیک را مورد بررسی قرار داد و سپس با اشاره به حقیقت دین و تفاوت آن با عین این مطلب را به نتیجه رساند.

۲. پول الکترونیک

برای فهم بهتر این مطلب لازم است پول را تعریف کرد.

۲-۱. تعریف پول

برای پول تعریف‌های متعدد با نگاه‌های مختلفی بیان شده است که ورود تفصیلی بدان از هدف این تحقیق خارج است. برخی از این موارد به‌طور اختصار عبارت‌اند از: تعریف قانونی پول: که عبارت است از چیزی که قانون آن را به‌عنوان پول معرفی کرده باشد. و یا تعریف پول با اتکا بر مصادیق آن. همچنین از دیگر تعاریف پول تعریف آن با اتکا بر وظایفش می‌باشد: این تعریف در بین اقتصاددانان بیشتر از همه مورد توجه قرار گرفته است اینان به‌طور کل سه وظیفه اصلی را برای پول در نظر گرفته‌اند (وسیله مبادله، معیار سنجش، وسیله ذخیره ارزش) هر چه این موارد در آن بود پول است. پس در این نگاه پول چیزی است که به‌عنوان وسیله مبادله مورد قبول عامه باشد. برخی نیز تعریف بر اساس مقبولیت نزد عامه را صحیح می‌دانند.

بر تمامی این تعاریف اشکالاتی وارد است که در این مختصر نمی‌گنجد. اما تعریف صحیح عبارت است از ارزش مبادله‌ای صرف است چیزی را می‌توان پول نامید که بیانگر و حافظ ارزش مبادله‌ای خالص است. ارزش مبادله‌ای امری مطلق بوده و قابل فاسد شدن نمی‌باشد و همچنین محدود به زمان و مکان هم نمی‌باشد پس هر چه خصوصیات آن شیء طوری باشد که کمتر فاسد شود و بادوام‌تر باشد و با گذشت زمان و تغییر مکان خصوصیات آن دگرگون نشود، بهتر می‌تواند حافظ ارزش مبادله‌ای باشد و به عنوان پول مورد رغبت واقع شود.

پول اعتباری محض فاقد خصوصیات مصرفی است و آنچه مردم را از حفظ و تداوم ارزش مبادله‌ای مطمئن می‌کند، قدرت، خوش‌نامی و اعتبار آن است. البته چه در پول اعتباری و چه حقیقی آنچه مورد رغبت قرار می‌گیرد همان ارزش مبادله‌ای آن است (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۷-۲۳).

در نتیجه باید پول را این‌گونه تعریف کرد:

ارزش مبادله‌ای خالص اشیاء که ارزش مصرفی آن نیز در همین ارزش نهفته است. (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۷-۲۳).

۲-۲. مضاربه با پول‌های جدید

برخی از فقها با اتکا به این مطلب که مضاربه باید بر درهم و دینار صورت گیرد مضاربه بر پول‌های دیگر را جایز نمی‌دانند. صاحب عروه معتقد است گرچه بر این مطلب به‌غیر از اجماع دلیلی وجود ندارد در حالی که عمومات موجود در مضاربه آن را در بر می‌گیرد، با این وجود امکان مخالفت با اجماع نمی‌باشد (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۱۴۸). برخی از فقهای محشین این کتاب در تحقق این اجماع اشکال کرده‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۱۴۸) (حاشیه امام خمینی و آیت الله خویی). صاحب حدائق معتقد است

از آنجا که این اجماع ثابت نبوده و دلیلی هم بر عدم به غیر از آن وجود ندارد لذا می‌توان حکم به صحت مضاربه بر غیر از درهم و دینار داشت (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۱، ص ۲۱۹). ماوردی معتقد است که علت عدم صحت مضاربه بر کالا و این است که در مضاربه باید رأس المال به مالک بازگردانده شود و این امر در کالاها ممکن نیست زیرا مثلی برای آن نمی‌باشد پس رد آن هم ممکن نخواهد بود. همچنین تقسیم سود در آن هم ممکن نیست و فقط یک نفر از آن دو می‌تواند از سود استفاده کند. چراکه یا این کالا افزایش می‌یابد که در این صورت این افزایش برای مالک محسوب شده و در نتیجه عامل خسارت می‌بیند و اگر مال کاهش یابد عامل سهم خود را می‌گیرد بدون اینکه کاری صورت گرفته باشد (الماوردی، ۱۴۰۹، ص ۱۲۸).

محقق خویی این کلام را در مورد کالا قبول داشته و می‌گوید چیزی می‌تواند به عنوان سرمایه در مضاربه قرار گیرد که متمحض در مالیت باشد تا سود یا زیان در مورد آن معنا پیدا کند پس کالا نمی‌تواند مال المضاربه باشد. ولیکن همو تعمیم مضاربه به سایر نقود را قبول دارد (خویی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۱).

آنچه قابل تأمل می‌باشد این است که بین فلوس که موضوع اجماع است (برفرض ثبوت چنین اجماع) و پول‌های اعتباری محض امروزی تفاوت وجود دارد؛ یعنی بر فرض قبول تحقق این اجماع باید گفت که موضوع آن نمی‌تواند شامل پول‌های امروزی گردد. دکتر عبدالوهاب حواس از اساتید دانشگاه الازهر در حاشیه خود بر کتاب مضاربه ماوردی در این موضوع می‌گوید:

آنچه باعث گردیده است تا اجماع بر عدم تحقق مضاربه بر فلوس باشد عدم ثبات قیمت آن مانند سایر کالاها می‌باشد. قیمت این پول‌ها با تغییر بازار تغییر کرده و ثباتی ندارد. سپس وی به کلام خود قیدی را اضافه نموده و می‌گوید اگر در شهری که مضاربه در آن صورت می‌گیرد پول‌های مسکوک به غیر از این فلوس نباشد یعنی معیار معامله همین سکه‌ها باشد مضاربه اشکالی ندارد زیرا فلوس در اینجا در حکم درهم و دینار است.

اما معامله بر اسکناس از آنجا که قیمت ثابتی دارند و در بازار تغییر نمی‌کنند پس قابل اعتماد است و امکان مضاربه بر آن نیز می‌باشد. در واقع این پول‌ها جایگزینی برای درهم و دینار می‌باشد پس حکم آن‌ها را نیز دارا هستند (الماوردی، ۱۴۰۹، ص ۱۳۰). در مجموع باید این‌گونه بیان داشت که مضاربه بر پول‌های اعتباری در عرف زمان پذیرفته شده است نهایت شک در عرف زمان معصوم (ع) می‌شود که ملاک آن‌ها از مضاربه با دراهم و دنانیر، جنبه پول بودن آن‌ها بوده و یا موضوعیت داشته است از آنجا که امکان دستیابی به این موضوع نیست لذا در این مقام می‌توان به عرف کنونی مراجعه کرد و همان‌طور که از محقق خوئی در قبل بیان شد با استصحاب قهقرایی به عرف زمان شارع می‌توان دست یافت. نتیجه آنکه مضاربه بر پول اعتباری چون عرفاً پذیرفته است پس خالی از اشکال می‌باشد.

آنچه بیان گردید صحت مضاربه با مطلق پول از آن جهت که صحت آن محدود به درهم و دینار نبوده و شامل هر نوع پول می‌گردد، می‌باشد. این مطلب در مورد همه انواع پول چه اسکناس و غیر آن از جهت پول بودن آن‌ها صحیح است اما مسئله دیگری که شاید کمتر مورد توجه واقع گردیده است جهت دین و یا عین بودن پول‌های اعتباری است. تبیین دقیق این مطلب منوط به مشخص شدن عین و دین از نگاه فقه است.

۲-۲-۱. دین و عین

فیومی در معنای دین می‌گوید: دین همان قرض و ثمن مبیع می‌باشد پس صدق و یا غصب از نظر لغت دین نیست و صرفاً به علت شباهت آن از این جهت که بر ذمه مستقر می‌باشد آن را دین می‌گویند (فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۵).

از ظاهر کلام فیومی می‌توان فهمید که وی بر ذمه بودن را از شرایط معنای لغوی دین می‌داند.

مراد از ذمه در کلام فقها ظرف اعتباری است که محل دیون و حقوق ثابت انسان قرار می‌گیرد (حسنی، بی‌تا، ص ۵۲). این تعریف از معنای لغوی که عهداست، دور نیست. عهد را ذمه گویند چون نقض آن و عدم وفای به آن موجب ذم خواهد بود (حسنی، بی‌تا، ص ۵۲). در تمامی موارد که لفظ ذمه در فقه به کار رفته است مراد اموری است که شارع آن را به طوری که موجب الزام و التزام باشد، اعتبار کرده است (حسنی، بی‌تا، ص ۵۲). برخی از حقوقدانان معاصر در بیان این مطلب گفته‌اند:

حق مالی بر دو قسم است: حق عینی، حق دینی.

حق عینی حقی است که شخص نسبت به عین خارجی دارد که کامل‌ترین آنان حق مالکیت است. حق دینی حقی است که شخص نسبت به دیگری دارد (امامی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲۷). حق عینی در نگاه اینان دارای چهار رکن است: صاحب حق، موضوع حق، رابطه حقوقی، جزا. همچنین حق دینی نیز دارای چهار کن دائن، مدیون، رابطه حقوقی و جزا می‌باشد (امامی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲۷). وی دین را این‌گونه تعریف کرده‌اند: آن عبارت از چیزی است در عهده کسی که ملتزم به ایفاء می‌باشد که آن را ما فی الذمه نیز گویند و به اعتبار طلبکار طلب نامند، چنانکه کسی به دیگری سیصد تومان بدهکار باشد، سیصد تومان که در ذمه مدیون است، دین گویند (امامی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۲).

سنهوری حق شخصی و حق عینی را این‌گونه بیان می‌کند که حق شخصی آن است که بین دو نفر بوده و به مقتضای آن دائن از مدیون می‌تواند طلب اعطای چیزی و یا قیام به عملی یا امتناع از عملی را داشته باشد و حق عینی همان سلطه ایست که قانون برای یک شخص در یک عین قرار می‌دهد (السنهوری، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۵-۱۶).

وی در ادامه می‌گوید: حق شخصی همان التزام است که در فقه اسلامی خود بر چند قسم است اول آن‌ها التزام به دین است. مراد از التزام به دین، التزام مبلغی پول یا شیء مثلی است که به ذمه تعلق می‌گیرد. سپس وی مصدر این التزام را گاهی عقد مانند قرض و گاهی اراده مفرده مانند نذر بر مبلغ پول و گاهی عمل نامشروع مثل غضب و حرکتی

اشتباه مانند اینکه مبلغی به اشتباه به کسی پرداخت شود و بر ذمه فرد است که بازگرداند، می‌داند. التزام دیگر التزام به عین است. او محل این التزام را عین معین خارجی می‌داند؛ مانند زمینی با محدوده معین و مشخص در خارج. مصدر این التزام نیز گاهی اراده منفرد و مانند وصیت به عین معین و گاهی عمل نامشروع مثل غصب عین مشخص و گاهی حرکت اشتباه مانند دادن عین معینی به دیگری از روی اشتباه که بر فرد لازم است عین را بازگرداند، می‌باشد (السنهوری، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۵-۱۶).

وی همچنین می‌گوید التزام به دین آن است که به ذمه تعلق می‌گیرد و سایر التزامات اعم از التزام به عین و یا عمل و یا التزام به توثیق به ذمه تعلق نمی‌گیرد (السنهوری، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۷). با این نگاه وی تفاوت بین التزام به دین و سایر التزامات را تعلق گرفتن به ذمه و عدم آن می‌داند. وی می‌گوید: دین آن است که به ذمه تعلق گرفته اما عین به ذمه تعلق نمی‌گیرد بلکه در این صورت حق به ذات عین تعلق می‌گیرد. پس تعلق به ذمه یا عدم آن وجه ممیز بین دین و عین است (السنهوری، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۰).

دین در مفهوم فقهی به مال کلی اعتباری که ذمه انسان را مشغول کرده و همراه با او می‌باشد گفته می‌شود. درحالی که در حقوق (غربی) مجرد التزام شخص نسبت به شخص دیگر است و رابطه بین انسان با انسان دیگر نه بین انسان و مال می‌باشد (حسینی حائری، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۵۲).

با این توضیحات از آنجا که دین آن است که به ذمه تعلق می‌گیرد می‌توان برخی از تفاوت‌های بین عین و دین را این‌گونه بیان داشت:

۱. برای استیفای دین احتیاج به وساطت مدیون است درحالی که التزام به عین این نیاز را ندارد.

۲. دین نیاز به مطالبه دارد چراکه وساطت مدین اقتضای مطالبه را خواهد داشت درحالی که عین چون وساطت ندارد مطالبه هم نخواهد داشت.

۳. دین می‌تواند اجل داشته باشد و یا مقاصه در آن صحیح بوده و امکان ابراء دارد درحالی‌که هیچ‌یک از این موارد در عین ممکن نخواهد بود (حسینی حائری، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۱۲۴).

۲-۲-۲. ماهیت پول اعتباری

برخلاف اقتصاددانان که پول‌های اعتباری را دیون مردم بر عهده دولت می‌دانند، برخی از محققین فقه با عین دانستن پول‌های اعتباری که به وسیله اسکناس انتقال می‌یابند، بیان داشته‌اند:

پول‌های اسکناس عین بوده و نمی‌توان آن‌ها صرفاً وثیقه بر مال دانست بلکه باید خود آن‌ها را پول‌هایی عرفی دانست زیرا:

۱. دولت‌ها مردم را مجبور به قبول این پول‌ها کرده‌اند درحالی‌که اگر این‌ها وثیقه بودند نمی‌توانست مجبور کند؛ مانند چک‌های بانکی که گرچه معامله با آن‌ها هم زیاد است اما دولت مردم را مجبور به قبول نمی‌کند.

۲. با این پول‌ها می‌توان دین را پرداخت کرد دائن نمی‌تواند از پذیرش آن خودداری کند.

۳. سند دین را هر کس می‌تواند صادر کند برخلاف این نقود که فقط دولت با شرایط خاص می‌تواند صادر کند.

۴. عرف (چه عرف مردم چه عرف قانون‌گذار) به این اوراق پول گفته می‌شود و خود دلیل بر آن است که سند نمی‌باشند زیرا بر اسناد پول اطلاق نمی‌شود.

۵. مردم با این اوراق معامله می‌کنند به حساب پول و هیچ‌یک از متعاملین به ذهنشان خطور نمی‌کند که بر دین معامله می‌کنند.

۶. همان‌طور که تاریخچه پول بیان شده است پشتوانه این پول‌ها طلا نمی‌باشد (العثمانی،

۱۴۳۴، ج ۱، ص ۱۵۳).

برخی نیز با تفکیک بین دولت و مردم در مالیت داشتن یا وثیقه بودن پول معتقدند که پول مال است اما نه مال مطلق بلکه مال اضافی است یعنی پول وثیقه دین بر عهده دولت است اما بین مردم مال است. برای همین اگر فرد اسکناس‌های خود را از بین ببرد و بتواند این را به دولت اثبات کند و رقم مسلسل اسکناس‌ها را به آن‌ها اطلاع دهد پس بر دولت لازم است تا اسکناس جدید برای او صادر کند اما اگر مال مطلق یعنی حتی به نسبت دولت بود هیچ‌گاه این اتفاق نمی‌افتاد. اگر اشکال شود که پول امروزه نمی‌تواند وثیقه بر دین قرار بگیرد. چراکه کاهش یا افزایش اعتبار پول امروزه در مبادلات تأثیر می‌گذارد درحالی‌که اگر صرف وثیقه بود کاهش و افزایش تأثیری در آن نداشت مثل چک که اعتبار آن در جای خود محفوظ است و تغییر ارزش پول تأثیری در آن ندارد. پس اگر پول وثیقه دین بود نباید با تغییرات تغییر می‌کرد. چراکه دین با تغییر وثیقه تغییر نمی‌کند.

در پاسخ بیان خواهد شد: از جمله مسائلی که می‌توان بر وثیقه بودن دین اشاره داشت این است که یک حق مطالبه‌ای برای دارنده آن ثابت است که می‌تواند دین خود را از صادرکننده وثیقه طلب کند اما اگر خود مال می‌بود وقتی آن را به طرف مقابل می‌داد بر دیگری لازم نبود تا در ازاء آن چیزی به دارنده آن بپردازد.

و نیز دولت صادرکننده، اگر پول از اعتبار ساقط شد ضامن آن خواهد بود و این از باب اتلاف نیست چراکه اتلافی صورت نگرفته است چون او اصل پول را از بین نبرده است. و همچنین آنچه باعث بالا و پایین رفتن ارزش پول می‌شود بالا و پایین رفتن پشتوانه آن است و الا خود وثیقه در جای خود باقی است. بله گاهی کاهش ارزش پول نه به خاطر تغییر در ارزش پشتوانه آن است بلکه به خاطر سیاست‌های انقباضی یا انبساطی پول یا به خاطر چاپ بی‌رویه پول و... است در این صورت این کاهش ربطی به پشتوانه نخواهد داشت و مربوط به خود پول است.

در مقابل این دلایل دلیل دیگر بر اینکه نقود خود مال است نه اینکه وثیقه بر مال باشد آن است که در صورت از بین رفتن پول مال فرد از بین می‌رود درحالی‌که در صورت از بین رفتن یک وثیقه خود مال از بین نمی‌رود (سند، ۱۴۲۸، ص ۵۴۵-۵۴۶).

در نگاه نگارنده این کلام به نظر دقیق و متین می‌باشد. جدا از نحوه استدلال مطرح شده اصل تفکیک بین دو حوزه مردم و دولت برای تبیین ماهیت دین و عین بودن پول اعتباری اسکناس به نظر دقیق می‌رسد. همان‌طور که اشاره گردید پول‌های اعتباری در نگاه کلان دیونی بر عهده دولت‌های اعتبارکننده می‌باشند و آنچه در قبل در ادله عین بودن آن‌ها بیان شد شامل پول اعتباری در بین مردم خواهد بود به این معنا که گرچه حقیقت این پول‌ها در نگاه کلان دین است اما در نگاه عرفی معاملات روزانه بین مردم با آن پول‌ها معامله عین می‌باشد.

۲-۲-۱. مالیت داشتن پول اعتباری

در مورد مالیت مال باید گفت: مالیت مال با وجود صفتی در یک شیء که باعث می‌شود عقلاً نسبت بدان رغبت پیدا کنند و برای به دست آوردنش با یکدیگر رقابت کنند می‌باشد. با این وجود مالیت مال به دو نحو قابل تصویر است: مالیت ذاتی و دیگر اعتباری.

مالیت اعتباری نیز خود بر دو قسم جعل عام که معتبر عام است و خاص که معتبر خاص مانند دولت‌ها است، تقسیم می‌گردد (بحرالعلوم، ۱۳۹۳، ص ۷۷).

با این حساب نمی‌توان گفت که پول‌های اعتباری فاقد مالیت می‌باشند. با این اوصاف پول‌های اعتباری اسکناس رایج در معاملات بین مردم در نگاه آن‌ها موضوعیت داشته و عرفاً عین محسوب می‌گردد. در نتیجه مضاربه بر آن نیز صحیح خواهد بود.

۲-۲-۲. عین بودن پول‌های الکترونیک

آنچه بیان شد صحت مضاربه بر پول‌های اعتباری اسکناس می‌باشد. پول را در یک تقسیم‌بندی می‌توان به پول‌های حقیقی که مالیت آن‌ها از خودشان نشأت گرفته و پول‌های

اعتباری که مالیت آن به اعتبار معتبر است تقسیم کرد. پول حقیقی در واقع همان طلا و نقره مسکوک بوده و پول‌های اعتباری محض نیز پول‌هایی است که مالیت آن‌ها صرفاً به اعتبار دولت‌ها می‌باشد. حال پول اعتباری محض گاهی به صورت اسکناس نمود دارد که بحث آن گذشت و گاهی نیز صرفاً اعداد و ارقامی است که به صورت الکترونیک بین افراد رد و بدل می‌گردد. اکنون سؤال در این است که ماهیت این پول‌ها آیا از نوع عین است یا دین؟ یعنی آیا حقیقت پول شامل این اعتبارات محض که وجود خارجی ندارد می‌باشد یا این پول‌ها دیونی است بر عهده بانک صادرکننده کارت‌های الکترونیک. به بیان دیگر آیا ماهیت پول الکترونیک ماهیت پول‌های اسکناس است یا صرفاً یک روش و ابزار پرداخت می‌باشد که در این صورت باید دید با این روش آیا مال بر ذمه منتقل می‌گردد یا خیر. پس در حقیقت با این نگاه پول‌های الکترونیک قسیم پول اسکناس نبوده بلکه صرفاً طریقی برای واگذاری است یعنی چون رد و بدل اسکناس ممکن است با مشکلاتی مواجه شود لذا از طریق ذمه معامله صورت می‌گیرد.

اضافه بر این مطلب می‌توان گفت که دین بودن با پول بودن منافاتی ندارد یعنی اگر بتوان تعریف پول را بر پول الکترونیک نیز تطبیق داد دلیل بر عین بودن نیست. اقتصاددانان در یک تقسیم‌بندی پول را به نقد و بدهی تقسیم نموده‌اند؛ که عبارت است از:

پول نقد: آن است که ارزش مبادله‌ای در یک شیء خارجی عینیت یافته باشد به طوری که در صورتی که تلف شد اعتبارکننده هیچ مسئولیتی در پرداخت ما به ازاء آن نداشته باشد. مثل سکه‌های طلا و نقره

پول بدهی: آن است که ارزش مبادله‌ای آن در یک شیء خارجی تحقق نمی‌یابد یعنی در واقع این پول تعهد پرداخت را به عهده ناشر و امضاکننده آن می‌گذارد. در صورت تلف شدن این پول‌ها امضاکننده مسئول پرداخت می‌باشد. مثل اسکناس‌ها با ۱۰۰٪ تعهد پرداخت (در دوران قدیم) یا چک‌های بانکی (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۴۴-۴۵).

اینان همچنین در یک تقسیم‌بندی دیگر پول را بر اساس ارزش مبادله‌ای و ماده اولیه به دو قسم پول تمام‌عیار و اعتباری تقسیم می‌گردد. پول تمام‌عیار آن است که ارزش پول به عنوان پول با ماده اولی یکسان است درحالی‌که در پول اعتباری ارزش پول به عنوان پول بیش از ارزش ماده اولیه آن می‌باشد. در صورتی که ارزش ماده اولیه صفر باشد آن را پول اعتباری محض گویند (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۴۷-۵۲).

با این توضیحات اکنون به تعریف پول الکترونیک پرداخته می‌شود. برخی از کارشناسان آن را این‌گونه تعریف کرده‌اند:

هیئت مشاوره مصرف‌کننده بانک فدرال رزرو آمریکا، پول الکترونیکی را به شرح ذیل توصیف می‌کند: این پول به طریق الکترونیکی منتقل و به صورت کارت هوشمند، حمل می‌گردد و در پایانه‌های کارت حاوی ارزش ذخیره شده یا کیف پول الکترونیکی فروش و بدون مداخله نهاد بیرونی در معامله مستقیم شخص با شخص مورد استفاده قرار می‌گیرد. این پول از طریق خطوط تلفن به دست بانک‌ها یا دیگر ارائه‌کنندگان یا ناشران (پول الکترونیکی) می‌رسد و از طریق اتصال به تلویزیون کابلی تعاملی (نقل و انتقالات کابلی) و رایانش شخصی انتقال می‌یابد و خرج می‌شود (چمبرز، ۱۳۸۴، ص ۱۶۹).

بنابراین، این معامله به جابجایی مادی هیچ بدهی یا اعتباری منجر نمی‌شود، بلکه مبلغ مورد معامله از تراشه خریدار کاسته شده و به تراشه فروشنده اضافه می‌شود (السان، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱).

پول الکترونیکی در ادبیات بانکی در دو معنای عام و خاص به کار می‌رود. در مفهوم عام پول الکترونیکی تمامی شیوه‌های پرداخت الکترونیکی را دربرمی‌گیرد (عبدی پور، ۱۳۸۹، ص ۵۳) و مراد از خاص نیز همان معنای مذکور است.

اگر پول الکترونیک پول به معنای واقعی آن باشد طبیعتاً باید ویژگی‌های پول (وسیله مبادله، معیار سنجش، وسیله ذخیره ارزش) که در سطور قبل بیان گردید را داشته باشد.

اگر کسی توهم کند که با این حساب پول الکترونیک نمی‌تواند یک ارزش مستقل داشته باشد زیرا اگر در نگاه عرف امکان تبدیل این اعتبار به اسکناس وجود نداشته باشد عموم رغبتی به معامله از این طریق را نکنند، حرف صحیحی نمی‌باشد زیرا همان‌گونه که بیان شد ماهیت پول غیر از ارزش مبادله‌ای خالص نمی‌باشد که از راه‌های مختلف می‌توان این ارزش را انتقال داد گاهی از طریق اسکناس و گاهی نیز از طریق الکترونیک. پس در واقع کارتهای اعتباری وسیله‌ای برای انتقال ارزش مبادله‌ای که دولت‌ها اعتبار نموده‌اند بین مردم می‌باشد و از این جهت تفاوتی با اسکناس نخواهد داشت.

از آنجا که این نوع پول وسیله‌ای برای پرداخت نقدی است با چک که وسیله پرداخت غیر نقدی است متفاوت می‌باشد (ر.ک: عبدی پور، ۱۳۸۹، ص ۶۹).

در حال باید گفت این پدیده نوظهور ماهیتی نه‌چندان مشخص در بین اهل نظر دارد. وجود اختلاف‌های فراوان در تبیین ماهیت آن خود گواه بر این مدعا است. بحث از ماهیت این پول و بررسی آثار و صفات آن نیازمند تحقیقی مجزا و مفصل بوده و بیش از این پرداختن به آن موجب خروج از هدف تحقیق است. البته باید گفت که این مقدار برای اثبات حقیقت دینی این نوع پول‌ها کافی نبوده و نمی‌توان آن را دقیقه مصداقی از پول‌های بدهی دانست چراکه صرف قابلیت تبدیل منافاتی با عین بودن ندارد و تفاوت‌های آن با چک نیز بیان گردید. و همچنین بنابر آنچه به عنوان ویژگی‌های دین آمد (احتیاج به مطالبه، امکان اجل و مقاصه و...) نمی‌توان پول الکترونیک را دین دانست. البته قابل توجه است که معامله با پول الکترونیک مصداق معامله نقدی است زیرا بر فرض دین بود ملازمه‌ای با عدم نقد بودن معامله ندارد زیرا می‌توان معامله را نقد فرض کرد ولی مشتری در حین پرداخت پول با بایع را حواله به دیگری دهد و یا دینی که بر گردن بایع باشد را به‌عنوان ثمن معامله قرار دهد در نتیجه نمی‌توان به‌صرف نقد بودن معامله عین بودن پول را نتیجه گرفت. ولیکن نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که در ملاک در تشخیص موضوعات و ویژگی‌ها و اوصاف آن‌ها در نگاه فقها عرف مردم و

یا عرف اهل بازار (بنا بر موضوعات مختلف) می‌باشد و دقت‌های متخصصین و کارشناسان در بسیاری از موارد مفید نیست. به‌عنوان نمونه در موضوع غنا عرف عموم نه دقت کارشناس ملاک است. با این نگاه برای کشف ماهیت عینی و یا دینی نیز باید به عرف عموم و یا اهل بازار مراجعه نمود.

بعید نیست که بتوان از مجموع آنچه آمد این‌گونه نتیجه گرفت که تفاوتی بین پول‌های اسکناس و الکترونیک وجود ندارد چراکه هر دو پول اعتباری محسوب گردیده و صرفاً طریقه انتقال آن متفاوت خواهد بود. و اینکه عرف بعضاً تلاش برای تبدیل آن به اسکناس در مواردی دارد به علت عدم عمومیت سیستم الکترونیک در معاملات می‌باشد. با این توضیح پول الکترونیک نوعی پول اعتباری است و همان‌طور که گذشت این پول‌ها دین مردم بر ذمه صادرکننده (معتبر) می‌باشد. اما در معاملات خرد در بین افراد نگاه عمومی عین بودن آن‌ها را تقویت می‌نماید. اما اگر اشکال شود در حالتی که حساب فرد دارای کارت اعتباری از یک بانک یا موسسه موجودی کافی داشته باشد و کارت او به عنوان وسیله انتقال نیز سالم باشد اما بانک صادرکننده برفرض ورشکست شده و یا به هر دلیلی اعتبار لازم را نداشته باشد این انتقال صورت نمی‌پذیرد حال آنکه اگر عین بود دلیلی بر عدم انتقال وجود نداشت. (زیرا برفرض حساب صاحب کارت دارای موجود کافی بوده و سیستم انتقال نیز از سلامت لازم برخوردار است.) پاسخ آن خواهد بود که در این موارد مانع موجب عدم انتقال گردیده است و این مطلب در سایر موارد عین نیز قابل فرض است و نمی‌تواند دلیلی بر عین بودن آن‌ها باشد.

اشکال دیگری که می‌توان به قائلین به دین بودن پول الکترونیک داشت این است که این استدلال (دین بودن پول اعتباری) در مورد پول‌های اسکناس نیز جاری خواهد بود درحالی‌که در نگاه مشهور اسکناس نوعی عین که دارای مالیت مستقل و دارای ارزش است می‌باشد. البته می‌توان از این اشکال این‌گونه پاسخ داد که استدلال مذکور در مورد اسکناس نیز جاری است اما تفاوت در این است که در پول‌های اسکناس از آنجا که ناشر

دولت‌ها می‌باشند و پشتوانه اعتباری آن از بانک مرکزی تأمین می‌گردد و از آنجاکه فرض بر شکست شدن بانک مرکزی اگر محال نباشد بسیار بعید است لذا عرف با اسکناس معامله عین نموده (چراکه ارزش اعتباری را به علت قدرت معتبر بر این اوراق منتقل نموده است) گرچه در حقیقت دین است. دلایل مذکور که برخی کارشناسان در مورد عین بودن اسکناس آورده‌اند مؤید این نگاه عرفی است. برخلاف پول‌هایی که از طریق الکترونیک جایجا می‌گردند زیرا پشتوانه این پول‌ها بانک صادرکننده می‌باشند و این قدرت (ورشکست نشدن و داشتن موجودی دائم) برای بانک‌ها وجود ندارد لذا بعید به نظر می‌رسد که این تلقی از سوی کارشناسان فن در مورد این پول‌ها حاصل شده باشد ولی همان‌گونه که بیان گردید تشخیص موضوعات در نگاه فقهی با عرف عموم مردم و یا بازار می‌باشد پس نگاه دقی متخصصین و کارشناسان در این موضوع نمی‌تواند مفید باشد.

با این نگاه (که ملاک را عرف عمومی مردم قرار داد) نمی‌توان گفت که مال المضاربه اگر به صورت پول الکترونیک باشد اگر حکم قطعی به دین بودن آن نشود حداقل شبهه دین را داشته پس معامله با آن خلاف احتیاط است. مگر آنکه بانک و یا موسسه صادرکننده دارای اعتبار بالایی بوده که احتمال عدم موجودی (اعتبار) در آن داده نشود که در این صورت اگرچه ماهیت حقیقی آن در نزد اقتصاددانان دین است اما عرف همانند اسکناس با آن معامله عین خواهد نمود، زیرا نگاه عرف تعمیم داشته و همه موارد مذکور را در بر گرفته و معامله عین با تمام آن‌ها دارد.

جمع‌بندی

در مجموع با تعریف مضاربه و ارکان آن معلوم گردید که سرمایه یکی از ارکان اصلی مضاربه است. در مورد عین بودن سرمایه گرچه مخالفت‌هایی از سوی برخی از فقها

وجود دارد اما آنچه مشهور و مطابق تحقیق بود شرط عین بودن و عدم صحت مضاربه بر دین است.

با این توضیحات ممکن است برخی در مضاربه با پول الکترونیک شبهه دین بودن را داشته باشند اما آنچه مطابق نظر نگارنده است اولاً از آنجاکه تمام شرایط دین در مورد این پول‌ها جاری نیست نمی‌توان آن را دین دانست. ثانیاً معیار در تشخیص این‌گونه مباحث در فقه، عرف عموم مردم بوده و قول دقیق کارشناس ملاک نمی‌باشد. آنچه از عدم اعتبار بانک صادرکننده بیان گردید نیز نمی‌تواند دلیل مناسبی بر دین باشد چراکه عدم توانایی پرداخت در صورت عدم اعتبار بانک صادرکننده از باب وجود مانع برای ادای عین مورد معامله است لذا به‌تنهایی نمی‌تواند دلیل بر این موضوع باشد مگر آنکه قائل شویم که مورد معامله کلی فی‌الذمه بوده که عرف بازار آن را نمی‌پذیرد.

کتاب نامه

- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدين محمد بن مكرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، چاپ سوم.
- امامی، حسن، حقوق مدنی (بی تا)، تهران: اسلامیه، چاپ ششم.
- بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- جزیری، عبد الرحمن، غروی، سید محمد و مازح، یاسر (۱۴۱۹)، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام، بيروت: دار الثقليين، چاپ اول.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، بيروت: دار العلم للملايين، چاپ اول.
- چمبرز، سی بی یانگ (۱۳۸۴)، «مسائل قانونی و مقرراتی پول الكترونيك»، مترجم لیلا آرمیان، مجله روند، زمستان ۱۳۸۴، ش ۴۷.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.
- حسنی، هاشم معروف (بی تا)، نظریة العقد فی الفقه الجعفری، بيروت: منشورات مکتبه هاشم، چاپ اول.
- حسینی حائری، سید کاظم، فقه العقود، قم: مجمع اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
- خوبی، سید ابو القاسم موسوی (۱۴۰۹)، مبانی العروة الوثقی، قم: منشورات مدرسه دار العلم، چاپ اول.
- داوودی، پرویز (۱۳۸۵)، پول در اقتصاد اسلامی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامیة، چاپ اول.
- السان، مصطفی (۱۳۸۶)، «مفهوم و ماهیت حقوقی پول الکترونیکی»، مجله حقوقی دادگستری، تابستان ۱۳۸۶، ش ۵۹.
- سند، محمد (۱۴۲۸)، فقه المصارف و النقود، قم: مکتبه فدک، چاپ اول.
- السنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۳۹۱)، مصادر الحق، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول.
- السيد محمود الهاشمی الشاهرودی (۱۴۳۲)، بحوث فی الفقه (کتاب المضاربه)، قم: بنیاد فقه و معارف اهل بیت، چاپ اول.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، چاپ اول.
- طباطبایی حائری، سید علی بن محمد (۱۴۱۸)، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
- طباطبایی حکیم، سید محسن طباطبایی (۱۴۱۶)، مستمسک العروة الوثقی، قم: مؤسسه دار التفسیر، چاپ اول.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی (المحشی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران: المکتبه المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ سوم.
- عبدی پور، ابراهیم (۱۳۸۹)، «تحلیل حقوقی پول الکترونیک»، مجله حقوق خصوصی، تابستان ۱۳۸۹، ش ۱۶.
- العثماني، محمد تقی (۱۴۳۴)، بحوث فی قضايا الفقهيه المعاصره، قطر: وزارت الاوقاف و الشؤون الاسلاميه.

- عزالدين، بحر العلوم (١٣٩٣)، بحوث فقهيه، بيروت: دارالزهرا، چاپ دوم.
- علامه حلي، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي (١٤١٤)، تذكره الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.
- فيومي، احمد بن محمد مقرئ (بي تا)، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، قم: منشورات دار الرضي، چاپ اول.
- الماوردى، ابى الحسن على بن محمد بن حبيب (١٤٠٩)، المضاربه، قاهره: دار للطباعه و النشر و التوزيع، چاپ اول.
- محقق حلي، نجم الدين جعفر بن حسن (١٤٠٨)، شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعيليان، چاپ دوم.
- مفيد، محمد بن محمد بن نعمان عكبرى، المقنعه، قم: كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد - رحمه الله عليه، چاپ اول.
- نجفى، محمد حسن (١٤٠٤)، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، بيروت: دار إحياء التراث العربى، چاپ هفتم.